

بازخوانی ساختار نظام بهره‌برداری...

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دوازدهم، شماره 1 و 2

بازخوانی ساختار نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان

قبل از اصلاحات ارضی
حسین ایمانی جاجرمی، سروه فتاحی

چکیده : این مقاله با فراهم آوردن همه روایت‌هایی که تاکنون از نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی سال 1342 ارائه شده، قصد دارد این قرائت‌ها را نقد کرده و نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان را خوانش مجدد کند و روایتی جدید را برای فهم بهتر نظام ارضی کردستان عرضه کند. برای عرضه این روایت از روش تحلیل روایت برای تحلیل روایت‌های موجود استفاده می‌شود و از روش‌های کیفی مصاحبه و تحلیل اسناد و مشاهده میدانی استفاده می‌کند تا داده‌های روایت جدید را فراهم آورد و روایت جدید را ساخته و ارائه کند. از مطالعات اسنادی و مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته به گردآوری داده‌ها پرداخته شد و روایت‌هایی از جنس تاریخ شفاهی جمع‌آوری شد تا داده‌های مورد نیاز روایت جدید ساخته شوند. روایت‌های جمع‌آوری شده سپس دسته‌بندی و مورد تحلیل واقع شدند. نتایج به دست آمده از روایت‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش ضمن تأیید این نکته که بعضی از روایت‌های موجود و مکتوب در مورد نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان نادرست‌اند، نشان می‌دهند که نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان در دوره قبل از اصلاحات ارضی سال 1342 خورشیدی متفاوت از نظام بهره‌برداری گروهی تحت عناوین مختلف مانند بنه و گاوبندی بوده است.

مفاهیم کلیدی : نظام بهره‌برداری ارضی، اصلاحات ارضی، کردستان، کشاورز، مالک.

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دوازدهم، شماره 1 و 2، بهار و تابستان 1390، ص. 140-162

مقدمه

آنچه در این‌جا می‌آید نتیجه پژوهشی دوساله از نوع میدانی با مشاهده مستقیم و مشاهده مشارکتی است که بین سال‌های 1388 تا 1389 در منطقه کردستان انجام شده است. برای انجام این پژوهش موانع پژوهشی زیادی را پشت سر گذاردیم از جمله آن‌که یکی از محققان (سروه فتاحی) بیش از 3600 کیلومتر را در منطقه کردستان پیمود تا داده‌های این تحلیل را جمع‌آوری کند. همچنین به بازخوانی تعداد زیادی از اسناد زمین‌داری پرداختیم که برخی از آن‌ها قدمتی 80 ساله داشتند. این مقاله از رویکرد توسعه‌ای و تاریخی استفاده می‌کند و با این دو رویکرد نظام ارضی کردستان را مورد مشاهده و تحلیل روایی قرار خواهد داد. این مطالعه سعی دارد تا مشکلات عدیده‌ای را در باب ملزومات تحلیلی نظام ارضی در ایران مطرح کند اما به دلیل آن‌که می‌خواهد تحلیلی عمیق را در خصوص کردستان ارائه کند تنها بر روی ساختار نظام ارضی در کردستان تمرکز خواهد کرد. به همین دلیل، ساختار مقاله شامل طرح مسئله، ملاحظات نظری، بحث‌های روش‌شناسی و سپس تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری و اشاره به دستاورد علمی آن خواهد بود.

طرح مسئله

وضعیت حال هر جامعه‌ای ریشه در گذشته تاریخی آن جامعه دارد. شناخت ویژگی‌های تاریخی می‌تواند در فرآیند تحولات جوامع نقش مهمی را بازی کند. نظام بهره‌برداری ارضی

در ایران قبل از اصلاحات ارضی به‌عنوان یکی از دوره‌های طولانی تاریخ ایران اهمیتی ویژه

در حیات اقتصادی و اجتماعی مردم داشته است و تحلیل تحولات جامعه ایران بر مبنای

این بخش از تاریخ توجه محققان خارجی و ایرانی را در طول سده‌ها و دهه‌های مختلف به

خود جلب کرده است که می‌توان در این راستا به آثار: پتروشفسکی (1344)، لمبتون (1345)، اشرف (1346)، رحمانی (1348)، خسروی (1358)، نعمانی (1358)، مؤمنی (1359)، ولی (1380)، لهسای‌زاده (1382)، کاتوزیان (1386)، عبداللهیان (2004)، عباداللهی‌چنذاق (1383)، اشاره کرد. شاید بتوان جامع‌ترین کتاب در این زمینه را تا اکنون، کتاب *مالک و زارع*

در *ایران* تألیف لمبتون (1345) دانست که علاوه بر تحقیقات اسنادی از تحقیقات میدانی

هم بهره برده و مورد ارجاع بسیاری از محققین واقع شده است. اما واقعیت این است که هنوز شناخت کافی از نظام بهره‌برداری ارضی قبل از اصلاحات ارضی در ایران و به‌ویژه مناطق مختلف قومی مانند کردستان وجود ندارد. لذا در ادامه با ایجاد شبهه در مورد آنچه تاکنون

در رابطه با نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی به‌عنوان بخشی از

سرزمین ایران گفته شده به طرح سؤالات این مقاله خواهیم پرداخت. در این رابطه لمبتون

در کتاب *مالك و زارع در ایران* (42_37:1345) «از تقسیم زمین‌ها برحسب جفت و یا سهم

آب در مناطق مختلف ایران و از جمله کردستان سخن می‌گوید و اصل اساسی در این تقسیم را تساوی حصه‌ها ذکر می‌کند و توجیه این تساوی را به دلیل تقسیم مجدد زمین‌ها به وسیله

پشک در بین زارعین در موسم معین می‌داند». او (همان 525:526) همچنین می‌نویسد:

«در کردستان معمولاً چندین جفت گاوی یعنی تقریباً از سه الی پنج جفت تشکیل یک واحد زراعی را می‌دهد که در اصطلاح محلی «جوغ» نام دارد. برای نمونه، روستای حسن‌آباد نزدیک سنندج به جوغ‌هایی تقسیم می‌شود که هر جوغ عبارت است از چهار جفت و در رأس هر جوغ دهقانی که معروف به سرجوغ است قرار دارد». واسیلی نیکیتین (307:1387) به نقل از

«ه. ل. رابینو» از سیستمی به نام «ده و دو» در کردستان صحبت می‌کند و می‌گوید در این

سیستم محصول را به دوازده قسمت تقسیم می‌کنند که دو قسمت را مالک و ده قسمت دیگر را زارع بر می‌دارد. او (همان: 308) همچنین می‌نویسد: «زمین‌های ده که به جفت تقسیم شده‌اند

هر 5 تا 15 سال دوباره بین رعایا تقسیم می‌شوند». مؤمنی (68:1359) واحدهای زراعی

در غرب ایران را جفت می‌نامد. مرتضی فرهادی (1385، جدول 9:248_249) در سه جا از جدول خود به واحدهای زراعی به نام جفت و جوغ در کردستان اشاره می‌کند و منبع ارجاع خود را کتاب *مالك و زارع در ایران* اثر لمبتون ذکر می‌کند. اختر رحمانی نیز (230_229:1348) بدون ارجاع به منبع خاصی واحدهای زراعی در کردستان را جوغ می‌نامد و افراد وابسته به

هر جفت را 2_4 نفر ذکر می‌کند. گروه تحقیق (1964_1954) نیز در تحقیقات خود که در

سال 1945 میلادی صورت گرفته و در زمینه نظام بهره‌برداری ارضی قبل از اصلاحات ارضی

در سراسر ایران انجام داده اند از واژه گاوبندی در مورد واحدهای کشاورزی در کردستان و از

واژه گاوبند برای کسی که زمین‌ها را کشت می‌کند استفاده کرده اند. اطلاق مفاهیم متعددی

چون: جفت، جوغ و گاوبندی بر واحدهای زراعی در کردستان و سخن از سرجوغ و گاوبند

در این واحدها و در عین حال عدم تطابق این مفاهیم با واقعیت‌های جامعه مذکور نشان از

نوعی آشفتگی در مفهوم‌سازی نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی

دارد.

بر این اساس مقاله حاضر با هدف اساسی: 1. ایجاد شناخت از نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی و مکتوب کردن آن که در حال فراموشی است 2. کمک به مفهوم‌سازی واقعیت در حوزه نظام بهره‌برداری ارضی بر مبنای تحقیقات میدانی و اسنادی در کردستان به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر می‌باشد :

1. نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی چه ویژگی‌هایی داشته است؟

1-1. آیا در کردستان واقعاً روستاها به حصه‌های مساوی براساس جفت تقسیم شده‌اند؟

2-1. آیا نظام بهره‌برداری گروهی به نام جفت، گاوبندی یا جوغ و به تبع آن‌ها گاوبند و سرجوغ در کردستان شکل گرفته است؟

ملاحظات نظری و ادبیات تحقیق

در مورد سابقه انجام تحقیق شاید بتوان به گونه‌ای تمام کتاب‌هایی را که درباره نظام ارضی در ایران نوشته شده‌اند و در چند سطر یا دو، سه پاراگراف گوشه‌چشمی به کردستان نیز انداخته‌اند جزو سابقه تحقیق ذکر کرد. از طرفی اگر واقعاً به دنبال تحقیقاتی باشیم که صرفاً ویژگی‌های نظام ارضی کردستان را حداقل در یک فصل بیان کرده باشند جز چند کتاب را نتوان ذکر کرد. **جامعه‌شناسی مردم کرد، 1378** که بیشتر به کردستان واقع در خاک ترکیه پرداخته، و نوشته‌های آن در مورد کردهای ایران بسیار کم و به قول خود نویسنده (بروین سن)، نوشته‌های او در مورد کردستان ایران به‌عنوان یک جهان‌گرد در ایران است و نه یک محقق. **بررسی اوضاع طبیعی، اقتصادی و انسانی کردستان، در نمونه کردستان مکری، 1345** تألیف حبیب‌الله تابانی: تابانی در فصلی از کتاب خود یک مونوگرافی از روستای اندرقاش در بهمن‌ماه 1344 که هنوز در آنجا نظام مالکیت حاکم بوده است انجام داده است. کتاب **کردستان و کورد، 2007** تألیف ع. ق، فصلی از این کتاب تحت عنوان «شیوه‌های مالیات بر زمین» به وضعیت کشاورزی و شیوه‌های مالیات‌دهی در دوره ارباب رعیتی در کردستان می‌پردازد. **آیین سنندج، 1371** اثر برهان ایازی، این کتاب خاطرات و دانسته‌های مؤلف است درباره شهرستان سنندج از آنچه دیده و شنیده، همچنین اطلاعات مفیدی در مورد نظام ارباب رعیتی نیز دارد. کتاب **دیوانی صبور و تاریخچه قه‌لای حه‌سه‌ن‌ئاوا و ژیانی‌ف‌ه‌لاکان له رابردودا**¹³⁶، تألیف ماموستا اسماعیل صالحی که در مقدمه کتاب به‌طور مفصل خاطرات خود را درباره نظام بهره‌برداری ارضی در دوره ارباب رعیتی در روستای حسن‌آباد نقل کرده است. پایان‌نامه‌ای تحت عنوان: **نظام آبیاری و زمین‌داری در سلیمان‌کندی کردستان**، نوشته‌ی قادر عبدی‌پویا در سال 1354 به راهنمایی دکتر خسرو خسروی، اطلاعات خوبی درباره روستای سلیمان‌کندی از توابع شهرستان سقز در رابطه با دوره قبل از اصلاحات ارضی در دسترس خوانندگان قرار می‌دهد. نوشته‌های ذکر شده اگرچه اطلاعات مفیدی راجع به نظام زمین‌داری و بهره‌برداری ارضی در

آباد و زندگی دهقانان در گذشته این . دیوان صبور و تاریخچه قلعه حسن¹³⁶ کتاب تاریخ چاپ ندارد.

کردستان قبل از اصلاحات ارضی در دسترس خوانندگان قرار می‌دهند اما اطلاعات آن‌ها ناقص یا تنها متعلق به روستا و یا شهر خاصی است و اطلاعات آن‌ها به طور گسترده تمام کردستان را در بر نمی‌گیرد و قابل تعمیم نمی‌باشند. ملاحظات نظری مقاله حاضر از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که گفتمان توسعه در کردستان و توسعه نظام زمین‌داری آن را با رویکردی توسعه‌مدار و تاریخی به جامعه آکادمیک عرضه می‌کند. در چنین رویکرد ترکیبی یک امر را مفروض می‌گیریم و آن این‌که تحلیل نظام زمین‌داری در کردستان جامع نیست و باید مجدداً بازخوانی شود. ما دو کار مهم را در اینجا انجام می‌دهیم یکی نیاز به نظریه پردازی این نظام از منظری توسعه‌ای و دوم از منظری روایی است. توضیح این رویکرد در اینجا ضرورتی بیش از این ندارد چراکه شرح روش‌شناسی زیر، کاستی‌های این توضیح مختصر را جبران می‌کند.

روش‌شناسی تحقیق

این مطالعه با شیوه روش‌شناسی «تحقیق کیفی» انجام شده است. از این رو به طور خاص از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی استفاده شد تا زوایای ناپیدا و مورد غفلت واقع شده نظام بهره‌برداری در کردستان مورد مشاهده و مطالعه قرار گیرد. در این راستا از طریق مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته داده‌های مورد نیاز را در سطح استان کردستان جمع‌آوری کردیم. ضمناً از روش تکمیلی مطالعات اسنادی استفاده شد تا داده‌های روایی را گردآوری کنیم. در نهایت نیز با

استفاده از استراتژی تحلیل روایت این داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند تا نسخه نویسی از تفسیر

و توصیف شیوه زمین‌داری و نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان را بازخوانی کرده و ارائه

نماییم.

جامعه مورد مطالعه، شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه مورد مطالعه این تحقیق روستاهای استان کردستان است. در بخش تحقیقات میدانی نمونه‌گیری نیز از نوع نمونه‌گیری کیفی انجام شد. «در مطالعات کیفی تکرار اطلاعات قبلی و یا تکرار تم‌ها و یا نکات برجسته، نشانه کفایت حجم نمونه است» (حاج‌باقری، 36:1386). بر این اساس چهار جهت جغرافیایی استان به‌علاوه مرکز استان مورد مطالعه واقع شد. لذا تکرار اطلاعات در مناطق مختلف جغرافیایی استان کردستان باعث شد تا داده‌ها به اشباع برسند. در این راستا در بخش تحقیقات میدانی بیست و سه مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته در سطح استان کردستان به ثبت رسید.

گردآوری و تحلیل داده‌ها

این مقاله روش تحقیق خود را بر مبنای تحلیل روایت نهاده است. انتخاب این روش بدان دلیل صورت گرفته است که: 1. داده‌های این مقاله متشکل از روایت هاست. این روایت‌ها اعم از منابع مکتوب و منابع غیر مکتوب در شکل مصاحبه می‌باشد. 2. از آنجا که یافتن الگوها و معانی از ویژگی‌های روش تحلیل روایتی است (محمدپور، 1389، جدول شماره 41:153) این تحقیق نیز در پی آن است که به الگوی نظام زمین‌داری در کردستان دست یابد و به شناخت ویژگی‌ها و معانی آن از این طریق برسد. لذا تحلیل روایت از جمله روش‌هایی است که می‌تواند این تحقیق را به اهداف خود رهنمون سازد.

برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش مطالعات میدانی چهارده سؤال در زمینه چگونگی بهره‌برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی به منظور انجام مصاحبه‌های نیمه‌سازمان یافته طراحی شد. مصاحبه با کسانی صورت می‌گرفت که خود چند صباحی را در آن ایام زیسته بودند و قادر به یادآوری خاطرات آن دوران بودند. سعی شد هم با مالکین آن دوران و هم با غیر مالکین مصاحبه صورت گیرد. پس از طراحی سؤالات مصاحبه، گردآوری داده‌ها با تکرار اطلاعات قبلی در چهار جهت جغرافیایی استان به علاوه مرکز استان، تحقیقات میدانی به اتمام رسید و روایت‌های حاصل از بیست و سه مصاحبه ثبت و مورد تحلیل واقع شد و به یافته‌ها و نتایجی که در پی می‌آید منجر شد.

یافته‌های تحقیق

در اینجا با توجه به تحقیقات اسنادی و میدانی انجام شده، ابتدا توضیحات مختصری در رابطه با مالکیت و قشرهای مختلف اجتماعی در روستا ارائه می‌شود، تا زمینه را برای توضیح شیوه بهره‌برداری ارضی آماده کند و سپس به بازخوانی نظام زمین‌داری در کردستان با توجه به روایت‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

مالکین و املاک

در تمام مصاحبه‌های انجام شده در تحقیقات میدانی روایت‌کنندگان به دوره قبل از اصلاحات ارضی «دوره مالکی» می‌گفتند، در این دوره، افرادی با عناوین خان، سلطان، بگ و شیخ صاحب ملک بوده‌اند و برای ملک‌شان سند ملکیت داشته‌اند. که به آن «بنچاق»¹³⁷ می‌گفته‌اند

137. همان «بنچاق» است.

در اینجا تصویر بنچاخی را به عنوان نمونه ارائه می‌کنیم که متعلق به سال 1343 هجری قمری است و جهت فروش و انتقال ملك نوشته شده است در این سند (بنچاخ)، بیان شده دو دانگ تمام از شش دانگ قریه‌های واقع در سرشیو مریوان که اعم از اراضی آبی و دیمی و احجار و اشجار و انهار آنها و نیز جبال و مراتع و عیون و غیره می‌باشد به مبلغ ششصد تومان نقد رایج به افراد مشخصی که از افراد نامی منطقه بوده‌اند فروخته شده است. این دو دانگ چند شعیر از هر روستا را شامل شده و در بنچاخ مذکور میزان هر شعیر در هر روستا به صورت جزئی بیان شده است. در واقع ملك اندازه‌گیری ملك دانگ بوده که هر ملك شش دانگ و هر دانگ 16 شعیر بوده است.

بنچاخ متعلق به فروش دو دانگ از قریه‌های سرشیو مریوان

قشرهای اجتماعی روستاهای تحت مدیریت مالکان

روستاها واحدهای اجتماعی و اقتصادی قبل از اصلاحات ارضی بوده‌اند که بخش اعظم جمعیت را در خود جای داده بودند. شناخت قشرهای اجتماعی اصلی این نظام برای شناخت

نظام بهره‌برداری ضروری است لذا در اینجا نخست به تشریح نقش عوامل اصلی این نظام و سپس به ابعاد نظام بهره‌برداری خواهیم پرداخت.

الف. مالک: مدیر اصلی و مالک روستا بوده که برای ملکیت‌اش سند مکتوب داشته است. لذا آن‌چنان‌که از مصاحبه‌های میدانی پیداست یکی از مهم‌ترین کارهای مالک در روستا نظارت بر آباد نگه داشتن زمین‌های کشاورزی بوده است و این امر را می‌توان از روایت‌کنندگان فهمید که همه اظهار داشتند اگر کشاورزی فوت می‌کرد اما خانواده او قادر به آباد نگه داشتن زمین‌ها بودند زمین در اختیار آن‌ها باقی مانده و اصل بر این بوده که زمین آباد باشد نه اینکه چه کسی آن را کشت کند.

ب. مباشر یا ضابط: مالکینی که هم‌زمان مالک چندین روستا بوده‌اند فردی تحت عنوان ضابط و یا مباشر نماینده آن‌ها بوده و به روستاها سرکشی و به امور روستاها رسیدگی می‌کرده است. مباشر گاه از فرزندان و یا وابستگان خود مالک بوده است. مباشر کار نظارت بر تقسیم محصول و گرفتن سهم مالک را در روستاهای مختلف تحت مالکیت مالک انجام می‌داده است. دستمزد او را ارباب پرداخت می‌کرده است و نه کشاورز. از 23 مصاحبه ثبت شده فقط در 7 مصاحبه به وجود ضابط یا مباشر اذعان شده و در واقع این امر نشان از این دارد که ضابط یا مباشر در همه‌جا وجود نداشته است.

پ. کدخدا (قه‌یخا، کویخا): در روستاهایی که مالک غایب است و خود در روستاها حضور نداشته، کدخدا نماینده ثابت او در روستا بوده و در روستا نیز اقامت داشته است. اگر یک روستا، ملک بیشتر از یک مالک غایب باشد، هر مالکی برای خود کدخدایی داشت یعنی اگر روستا، ملک سه مالک غایب بود، سه کدخدا در روستا بوده‌اند، این کدخداها مسئول اداره روستا در سهم متعلق به مالک خود بوده‌اند. در بعضی از روستاها همین کدخداها مسئول جمع‌آوری محصول سهم مالک، در هنگام برداشت محصول بودند. اما در بعضی از روستاها، به‌ویژه روستاهایی که مربوط به عمده‌مالکان یا مالکین بزرگی که دارای چندین روستا بوده‌اند جمع‌آوری سهم مالک، وظیفه مباشر بوده و نه کدخدا. دستمزد یا حق کدخدا عمدتاً بر عهده مالک بوده و نه روستاییان.

ت. مه‌لا، ماموستا (روحانی): روحانیون که به زبان کردی به آن‌ها مَلا، ماموستا یا ماموسا گفته می‌شود، افرادی بوده‌اند که علوم دینی را خوانده و به مرحله ملایی رسیده‌اند. در روستاهای اهل تسنن در هر روستا یک ملا وظیفه اداره مسجد و کارهای شرعی روستا را به عهده داشته است. ملا با پیشنهاد مالک و توافقی که بین آن‌ها حاصل می‌شد برای مدت یک سال به آبادی آورده می‌شده و در آن جا ساکن می‌شده است و امور مذهبی روستا را به عهده می‌گرفته است.

بعد از اتمام دوره اگر دوباره در بین ملا و مالک توافق حاصل می‌شد ملا در آبادی می‌ماند و در غیر این صورت آبادی را ترک کرده و به آبادی دیگری می‌رفته است. تأمین هزینه زندگی ملا بیشتر بر عهده مالک بوده است، مالک به ملا برات می‌داده است؛ اگرچه مردم نیز به شیوه‌های مختلف به ملا کمک می‌کرده اند. بنابر گفته خودشان در روستاهای مختلف مردم به ملا سر فطره می‌داده اند و از ماست و شیر و... هر کس چیزی اضافه داشته به او کمک می‌کرده و گاه حتی اگر ملا زمین کشاورزی داشته مردم آبادی در کارهای کشاورزی به او کمک می‌کرده‌اند. مردم ماموستا را علاوه بر اینکه مسئول انجام امور مذهبی می‌دانستند او را نیز واسطی بین خود و مالک در حل اختلافات می‌دیدند. ث. کشاورز: کشاورز کسی است که گاوکار و وسیله شخم و بذر دارد و می‌تواند به کشت و زرع پردازد. ارباب قطعه یا قطعاتی زمین بدون وجود هیچ‌گونه قرارداد مکتوبی و تنها براساس عرف محل به کسی که گاو کار دارد می‌دهد تا روی آن کار کند و در عوض سهمی که براساس عرف محل مطابق جدول شماره (2) میزان آن مشخص می‌باشد به ارباب بدهد در منطقه برای این افراد همان لفظ کشاورز، فلا¹³⁸ و جووت به‌نه¹³⁹، کاربرد داشته است.

شایی¹⁴⁰ و سیایی¹⁴¹، نیز به ج. جوچن: که در زبان کردی، الفظی چون ره کار برده شده این الفاظ

معادل لفظ «خوش‌نشین» در زبان فارسی هستند. کسی است که گاوکار ندارد، و در نتیجه نمی‌تواند قطعه زمینی از مالک برای کار کردن روی آن دریافت دارد. این‌ها کسانی هستند که به اموری چون دکان‌داری، چوپانی، خیاطی و... پرداخته‌اند و به لحاظ اقتصادی فقیرتر از کشاورزان بوده‌اند. چ. وهرزیر: معادل واژه «برزگر» در زبان فارسی است. وهرزیر کسی بوده که کار کشاورزی

را بلد بوده اما گاوکار نداشته و به صورت کارگر بر روی زمین‌های کشاورزی دیگران کار می‌کرده و در ازای کار مقدار کمی سهم می‌برده است. وهرزیری در واقع نوعی حرفه است که اگر کسی آن را بلد باشد می‌تواند به وسیله آن کسب درآمد کند. در کردستان کشاورزان هرگز خود را وهرزیر یا برزگر نمی‌نامیدند و برزگر را فرد فقیر و ندار می‌خواندند. کشاورزان پایگاه اجتماعی خود را قابل مقایسه با وهرزیر نمی‌پنداشتند. آن‌ها پایگاه اجتماعی خود را

138 . fala: همان فلاح عربی است که در زبان کردی آن را به صورت کوتاه شده

139 . tooj.

140 .

141 . oj.

بالتر و برتر می دانستند.

در نهایت می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که روستاها متشکل از سه حوزه بوده اند که عبارت بوده اند از: 1. نهاد مدیریتی که عبارت از مالک و عوامل او از قبیل: مباشر، کدخدا، و... بوده است. 2. حوزه نهاد دینی 3. حوزه مردم اعم از کشاورزان، برزگران و خوشنشینان.

چگونگی واگذاری زمین به کشاورزان از طرف مالکین

در کردستان واگذاری زمین از جانب مالک به کشاورز به این شکل بوده است که مالک براساس توانایی کشاورز — این توانایی اعم از نیروی انسانی کار (تعداد مردانی که در خانواده کشاورز برای کمک به او حضور دارند) و نیروی ابزاری کار (گاو کار) بوده است — تکه¹⁴² (قطعه) و یا موچه¹⁴³ زمینی براساس عرف محل و بدون وجود هیچ‌گونه قرارداد مکتوبی به او می‌داده تا

روی آن کار کند. بنا به گفته خود مصاحبه‌شوندگان نقش نیروی ابزاری کار مهم‌تر از نیروی انسانی بوده و اگر کسی دارای تعداد گاوهای بیشتری بوده اما فاقد نیروی انسانی غیر از خودش بوده باشد می‌توانسته به صورت موقت کارگر استخدام کند و از این طریق به جبران نیروی کار انسانی خود بپردازد و متناسب با توانایی کشت گاوهای اش از مالک زمین دریافت کند. لذا در این جا می‌بینیم که شرط داشتن زمین داشتن گاو کار است و در هیچ‌یک از مصاحبه‌های ثبت شده، به شرط دیگری اشاره نشده است در واقع در این نظام هر قطعه زمین برای مدت نامشخصی در اختیار یک خانواده بوده است. بنا به گفته همه روایت‌کنندگان، تقسیم دوری زمین وجود نداشته و اصلاً با چنین چیزی آشنا نبودند. مدت زمانی که کشاورزی زمین را در اختیار داشته متفاوت بوده است این مدت قابل پیش‌بینی نبوده آن‌چنان‌که گاه کشاورزانی بوده اند که سه نسل و یا بیشتر روی قطعه یا قطعاتی از زمین کار کرده اند و گاهی هم کشاورزی بودند که هر سال در یک روستایی بوده و روی قطعه زمینی کار کرده است. ادامه کار کشاورز روی زمین بستگی به نظر مالک داشته است و مالک در بازپس گرفتن و واگذاری زمین‌ها به کشاورزان صاحب اختیار مطلق بوده است. قطعه‌های زمینی که به کشاورزان واگذار می‌شد دارای اسامی خاص بوده اند این قطعه‌ها به لحاظ مساحت هم اندازه نبوده اند و مشتمل بر قطعات کوچک و بزرگ بوده اند. معیار سنجش این زمین‌ها بذر بوده است مقدار آن را برحسب «پوت»، «من»، «تغار»، «خروار» می‌سنجیده اند. مثلاً می‌گفته اند: «دو تغار زمین» یا «پنج من زمین»، یعنی زمینی که جای پاشیدن دو تغار بذر را داشته و یا زمینی که جای پاشیدن پنج من بذر را داشته است. در جاهایی که زمین

گویند که ترجمه فارسی آن همان تکه است. در کردی «تیکه» می¹⁴²

کار . Moocha، لفظی است که در منطقه سقز و بانه در استان کردستان به¹⁴³ گویند که آغا موچه زمینی شد و منظور تکه و یا قطعه است. مثلاً می‌برده می‌داد. داد. یعنی آرباب قطعه زمینی به من می‌به من می

دیم زیاد بوده است کشاورزان خود با اجازه مالک قادر به آباد کردن زمین های بایر یعنی تبدیل آن ها به زمین کشاورزی بوده اند تا سطح زیر کشت خود را افزایش دهند. در مورد بذر آن ها می گویند حتی الامکان بذر را نیز خودمان تهیه می کردیم این ضرب المثل قدیمی (نان و تووی خوم بیئت خوا شوکر)¹⁴⁴ مطابق گفته یکی از مصاحبه شوندهگان مصداق این امر است که کشاورزان خود بذر را تهیه می کرده اند آن چنان که «کشاورز در صورتی از بهره زمین اش راضی می بوده که می توانسته به اندازه مصرف خانواده و همچنین بذر سال آینده را از زمین اش به دست آورد». اگر به دلیل کمی محصول و یا هر مشکل دیگری کشاورز قادر به تهیه بذر نبوده، می توانسته از مالک قرض بگیرد و سر خرمن قرض را پس بدهد، کشاورزان اظهار می داشتند که همان مقداری را که قرض گرفته بودند پس می دادند نه مقدار بیشتری را؛ این گونه کم ها را مساعد می نامیدند. هیچ گونه نظام سلسله مراتبی از قبیل آبیاری، دم آبیاری، گاو بند و... بر زمین و بهره برداری از زمین حاکم نبوده است. از مطالعه روایت های به دست آمده تنها در 7 روایت از 23 روایت ثبت شده اظهار شده است که میرآب داشته اند، میرآب بودن موروثی نبوده و تنها در فصل کشت و به صورت موقت کسی به عنوان میرآب انتخاب می شده است. کار میرآب تنها نظارت بر تقسیم آب و رعایت کردن نوبت آب کشاورزان بوده است و گرنه کشاورزان خود به کار آبیاری می پرداخته اند و در واقع میرآب نیز خود کشاورزی بوده است که قطعه زمین خود را داشته و کار کشاورزی خود را می کرده است. انتخاب او به عنوان میرآب یا توسط خود کشاورزان صورت می گرفته و یا از جانب مالک انتخاب می شده تا بر تقسیم آب نظارت کند. حق الزحمه میرآب را یا کشاورزان پرداخت می کرده اند یا مالک. به این طریق که هر چند نفر کشاورزی که قطعه زمین شان نزدیک آبی است که بین آن ها مشترک است میرآب بر تقسیم سهم آن ها نظارت می کند، کشاورزان سهم ناچیزی از محصول را به او (میرآب) می داده اند و یا در بعضی از روستاها این مقدار ناچیز را مالک به میرآب می داده و نه زارع. آن چنان که در 7 روایتی که از وجود میرآب صحبت می شود در 4 روایت اظهار شده که کشاورزان مقدار بسیار ناچیزی از محصول به میرآب می دادند و در 3 روایت دیگر مالک حق الزحمه میرآب را داده است و گاه حق الزحمه او از طرف مالک این گونه بوده است که بعضی از وجوهات را به مالک پرداخت نمی کرده است. در بعضی از روستاها مانند روستای نسل از توابع شهرستان سروآباد اظهار شده که قبل از اصلاحات ارضی میرآب نداشتیم اما اکنون میرآب داریم و خود به صورت توافقی کسی را به عنوان میرآب انتخاب می کنیم و بر سر دستمزد او نیز به طور جمعی توافق می کنیم. میرآب بر تقسیم آب نظارت می کند تا بین اهالی

144 . یعنی: اگر قوت لایموت و مقداری بذر برای سال آینده داشته باشم خدا کنم. را شکر می

مشکلی پیش نیاید. لذا میرآب بودن در کردستان نه موروئی بوده است و نه دارای جایگاهی در نظام بهره‌برداری؛ آن‌گونه که در بنه‌ها وجود داشته است. بلکه می‌توان گفت، میرآب نیز به صورت موقت و تنها در فصول کشت از نیروهای اجرایی نظام مدیریتی روستاها قبل از اصلاحات ارضی بوده است.

منابع آبیاری در زمین‌های آبی

زمین‌های کشاورزی کردستان متشکل از زمین‌های آبی و دیمی است، منبع آبیاری زمین‌های آبی منابع مختلفی چون آب رودخانه، چشمه و قنات و چاه و... بوده است. اغلب این

آب‌ها توسط جوی‌ها به سمت زمین‌های کشاورزی هدایت شده و مورد استفاده کشاورزان

قرار می‌گرفته است. کشاورزانی که از منبع آب مشترک استفاده می‌کرده‌اند خود به صورت

توافقی و با توجه به وسعت زمین‌ها به صورت ساعتی و یا شبانه‌روزی آب را بین خود

تقسیم کرده‌اند. تعداد و درصد قنات‌های ثبت شده در مناطق مختلف کردستان مطابق

جدول شماره (1) نشان داده شده است که بیشترین درصد (40/35%) قنات‌ها برای شهرستان بیجار و کمترین درصد (2/57%) برای شهرستان مریوان ثبت شده است. اما مطابق جدول شماره (2) منبع آبیاری چه قنات باشد یا آب‌های جاری تأثیری در میزان سهم مالک نداشته است.

جدول شماره 1. تعداد و درصد قنات‌ها در روستاهای استان کردستان

شهرستانتعداد قناتدرصد

بیجار 40 / 9435

سقز 22 / 5232

دیواندره 12 / 3087

سنندج 10 / 2573

کامیاران 5 / 1358

قروه 5 / 1358

مریوان 2 / 657

کل 100 233

میزان و چگونگی تقسیم محصول براساس عرف محل

اداره امور روستاها به دو شیوه بوده است یا مالکین خود در روستا حضور داشته‌اند و امور روستا را از نزدیک نظارت می‌کرده‌اند یا این‌که خود در آن روستا نبوده و برای رسیدگی به امور روستا نماینده‌ای از جانب مالک تحت عنوان «کؤنخا» یا «قه‌یخا» (کدخدا) تعیین می‌شده است و مالکینی که ملک آن‌ها زیاد بوده فردی را نیز تحت عنوان مباشر یا ضابط انتخاب می‌کرده‌اند که به روستاهای مختلف سرکشی کرده و به رتق وفتق امور می‌پرداخته است. کدخدا و مباشر هر دو جزء عوامل مدیریتی روستا بوده‌اند و ربطی به نظام بهره‌برداری نداشته‌اند. در هنگام برداشت محصول پس از این‌که کشاورز خرمن را آماده می‌کرده است در روستاهایی که مالک حضور داشته خود مالک یا فرزندان او بر سر خرمن حاضر شده و نظاره‌گر تقسیم محصول بوده‌اند و در روستاهایی که مالک حضور نداشته نماینده او یعنی کدخدا یا مباشر بر سر خرمن حاضر می‌شده و بر تقسیم محصول نظارت می‌کرده است. میزان سهم مالک از محصولات براساس عرف محل، مطابق جدول شماره (1)، 10 تا 15 بوده است که در محل اصطلاحات: «ده دو»، «ده و دو» و «پنج یک» را به‌کار می‌بردند. یعنی از ده قسمت، دو قسمت سهم مالک و هشت قسمت سهم کشاورز بوده است یا از پنج قسمت، یک قسمت سهم مالک و چهار قسمت سهم کشاورز بوده است. تقسیم محصول به این شکل بوده که با حضور مالک و یا نماینده او به وسیله ظرفی که به «کاسه من» و در بعضی جاها به «قفیز» مشهور بوده، به پیمانه کردن محصول به این طریق پرداخته‌اند که دو ظرف سهم مالک را به کناری ریخته و هشت سهم کشاورز را به کنار دیگری ریخته‌اند و در بعضی از جاها به این‌صورت بوده که محصول را نخست به ده قسمت مساوی تقسیم کرده سپس دو قسمت را برای مالک و هشت قسمت را برای کشاورز گذاشته‌اند. در مورد یک‌پنجم هم به همین طریق تنها اعداد تغییر می‌کنند.

بازخوانی نظام زمین‌داری قبل از اصلاحات ارضی در کردستان با

اتکا بر روایت‌های تحقیق

در این‌جا به سخنان لمبتون و دیگر نویسندگانی که در مورد نظام زمین‌داری در کردستان سخن گفته‌اند برمی‌گردیم که قبلاً در طرح مسئله آن‌ها پرداخته‌ایم و در این قسمت با مرور آن‌ها به تحلیل این مطالب با توجه به یافته‌های تحقیق می‌پردازیم.

لمبتون در کتاب *مالك و زارع* (42_37:1345) می‌گوید: اساس ده را زمین مورد تصرف دهقانان تشکیل می‌دهد و مقدار آن را به دو طریق عمده حساب می‌کنند. یا برحسب جفت، یا برحسب سهم آب. . . . این تقسیم ده به «جفت» غالباً هم در مورد املاک اربابی مشاهده می‌شود و

جدول شماره 2. میزان بهره مالکانه کشت غالب (گندم و جو) در نقاط مختلف کردستان قبل از اصلاحات ارضی

شهرستان نام روستا¹⁴⁵ گندم و جو دیمگندم و جو آبی منبع آبیاری

مریوانکانی-سانان، ایسوله، توراخ تپه، زمین دیم نداشته اند 10 2 چشمه
گیلی کران، گوگجه
مریواندزه تف 10 2 10 2 —

بالک، حسین آباد، خاومیراوا، ساوجی، بالک،
مریوانزویران، خیرآباد، درزیان، گویزه کویره، 10 2 10 2 رودخانه، چشمه، قنات
اسن قره، شیخ عطار
مریوانبرده رشه 10 2 10 2 قنات

سروآبادرزآب، دل، دلمرز، ژیوار، سلین، پالنگان 10 2 10 2 قنات، رودخانه

سروآبادنسل 10 2 10 2 آبهای جاری

سروآبادگوشخانی 5 1 5 1 رودخانه

سنندجتودار ملا 10 2 10 2 آبهای جاری

سنندجحسن آباد 5 1 5 2 قنات، رودخانه

سنندجقار 5 1 —

قروهسروش آباد 5 1 —

کامیارانکاشتر 10 2 10 2 آب جاری

کامیارانپالنگان 10 2 —

بیجارخسروآباد 5 1 5 1 آب رودخانه

بیجارصلوات آباد 5 1 —

بیجارآبلاغ، دره ویران و... 5 1 —

145 . این روستاها اعم از روستاهایی هستند که در طول تحقیق در مورد نظام آوری شده است این روستاها یا متعلق به مالکینی ها اطلاعاتی جمع داری آن زمین ها مصاحبه شده است و یاکشاورزی که در دوره قبل از اصلاحات بوده که با آن ها مصاحبه انجام گرفته است. ارضی در آن روستاها زندگی کرده است و با آن

بیجارقبا سرخ 5 1 5 اقنات

سقزسیخله، قوتلو، چاپان علیا، مامشا 10 2 10 چشمه، قنات

سقززیویه 10 2 10 قنات، رودخانه

سقزسننه 10 2 10 رودخانه

سقزقلعه کهنه، تومار قامیش 10 2 10 قنات

بانهکوک 10 2 10 قنات، رودخانه

منبع: استخراج از مصاحبه‌های ثبت شده و مطالعات اسنادی

هم در مورد املاک خرده‌مالک. این کار نمونه و اساس روش معمول در دهات آذربایجان، کردستان، همدان، اراک، اصفهان، فارس، خوزستان و تهران است. او در ادامه می‌افزاید: اصلی که در مورد تقسیم زمین چه در مورد زمین‌های اربابی و چه در مورد زمین‌های خرده‌مالک از آن تبعیت می‌شود تساوی حصه‌هاست. چیزی که باز این تمایل به تساوی حصه‌ها را تقویت می‌کند این نکته است که در بعضی املاک اربابی و در موسم معین زمین‌هایی که قرار است برای زراعت بین زارعان تقسیم شود مجدداً به وسیله پشک انداختن میان آنان قسمت می‌گردد...

لمبتون (همان: 516-526) همچنین واحدهای مختلف زراعی در نقاط متفاوت ایران را با نام‌های مورد استفاده در محل معرفی می‌کند و در رابطه با کردستان می‌نویسد: ... در کردستان، در معدودی از نقاط معمولاً چندین جفت گاو، یعنی تقریباً از سه الی پنج جفت تشکیل یک واحد زراعتی را می‌دهد که در اصطلاح محلی «جوغ» نام دارد. در حسن‌آباد نزدیک سنندج ده مزبور به جوغ‌هایی تقسیم می‌شود که هر جوغ عبارت است از چهار جفت و در رأس هر جوغ دهقانی که معروف به «سرجوغ» است قرار دارد. سرجوغ را امتیاز خاصی نیست و تنها پیرترین و آزموده‌ترین و محترم‌ترین فرد گروه خود به‌شمار می‌رود.

اختر رحمانی (1348:229-230) نیز بدون ارجاع به منبع خاصی از وجود جوغ و سرجوغ در کردستان و تقسیم دوباره زمین‌ها به وسیله قرعه به مدت هر 5-15 سال در کردستان سخن می‌گوید هر جوغ را شامل چهار جفت و عده افراد وابسته به جفت را 2 تا 4 نفر می‌داند. مرتضی‌فرهادی (1385:248 و 249) در جدول شماره 9 کتاب خود نیز با ارجاع به کتاب لمبتون، مالک و زارع در ایران از وجود بنه‌ها در کردستان سخن گفته و این بنه‌ها را جوغ و سربنه‌ها را

سرجوغ و بجوغ نامیده است. مؤمنی (68:1359) نیز سازمان تولید را در روستاها به نام‌های مختلفی خوانده و این سازمان را در کردستان جفت نامیده است و در ادامه می‌نویسد این واحدها از طریق قرعه هرچند گاه یکبار بین متصرفان تغییر می‌کند. نیکیتین (308:1378) با استناد به کتاب لمبتون می‌نویسد در کردستان زمین‌های ده که به جفت تقسیم شده اند هر 5 تا 15 سال دوباره بین رعایا تقسیم می‌شوند.

نوشته‌های تکرار شده به یک سبک و یک شکل در مورد نظام زمین‌داری در کردستان گواهی از آن دارند چه، کسانی‌که نوشته خود را به کار لمبتون ارجاع داده اند و چه آن‌هایی که در این مورد به منبع خاصی ارجاع نداده اند، همه اطلاعات خود را درباره نظام زمین‌داری در کردستان از لمبتون اخذ کرده اند و بعد از کار لمبتون و قبل از تحقیق حاضر تحقیق دیگری راجع به نظام زمین‌داری در کردستان قبل از اصلاحات ارضی انجام نشده است. لذا یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند آنچه لمبتون درباره نظام زمین‌داری در کردستان گفته است مطابق با واقعیت نبوده است. لمبتون آن‌چنان که در بالا گفته شد بنا بر گفته خود در روستای حسن‌آباد از توابع شهرستان سنندج واحدهای زراعی به نام جوغ و در رأس هر جوغ دهقانی به نام سرجوغ وجود داشته است. بنا بر تحقیق حاضر که در کردستان و در زمینه نظام زمین‌داری قبل از اصلاحات ارضی انجام شده است در هیچ روستایی واحدی به نام جوغ وجود نداشت و برای اطمینان خاطر از این موضوع به همان روستایی که لمبتون از آن صحبت می‌کند یعنی روستای حسن‌آباد، مراجعه و با اهالی آن‌جا مصاحبه شد و مصاحبه‌ها ثبت و ضبط شدند. و همچنین خاطراتی نیز که ماموستا اسماعیل صالحی از اهالی حسن‌آباد، در مورد مسائل زمین‌داری در همین روستا به ثبت رسانده مطالعه شد، اما نه در مصاحبه و نه در خاطرات نقل شده اسمی از جوغ و سرجوغ برده نشده است. و در نهایت نگارندگان برای اطمینان خاطر از وجود یا عدم وجود واحد زراعی به نام جوغ و در رأس آن سرجوغ، خود به پرسش در این مورد پرداخته و از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد که آیا در این روستا واحدهایی به نام جوغ وجود داشته است؟ آن‌ها از شنیدن کلمه جوغ تعجب کرده و بنده مجبور شدم چندبار این کلمه را تکرار کرده تا حاضرین تلفظ آن را متوجه شوند و آن‌ها گویی در عمرشان اولین‌بار بود که چنین کلمه‌ای را شنیده بودند و به تبع آن سرجوغ هم نه در حسن‌آباد و نه در هیچ روستای دیگری در کردستان وجود نداشت. مصاحبه شونده‌گان پس از فهم واژه جوغ و سرجوغ گفتند: «ممکن است منظور شما «سرجو» و «بن‌جو» باشد. زیرا ما «جو»یی در کنار آبادی داشتیم که زمین‌های بالای آن را «سرجو» و زمین‌های پایین آن را «بن‌جو» می‌گفتیم» و این ارتباطی با نظام زمین‌داری ما نداشته است». در واقع واژه‌های «جوغ» و «سرجوغ» نه در فرهنگ لغت‌های کردی همچون: هه‌نبانه بورینه (1369)، فرهنگ ماد (1361) و .. و نه در

ادبیات شفاهی مردم موجود نیست و در واقع واژه‌های مذکور کردی نیستند و حتی از زبان‌های دیگر به صورت عاریتی در زبان کردی راه نیافته‌اند و ممکن است لمبتون به دلیل عدم آشنایی با زبان مردم منطقه واژه را به اشتباه متوجه شده باشد و آنچه را به اشتباه شنیده است نقل کرده است. و مطابق خواست خود برای یکدست‌سازی نظام زمین‌داری در ایران از این واژه‌ها استفاده کرده است. دیگران نیز شاخ و برگ‌گی به آن داده و حتی وسعت جوغ و افراد وابسته به جوغ خیالی را نیز تعیین کرده‌اند آن‌چنان‌که اختر رحمانی هر جوغ خیالی را شامل چهار جفت و افراد وابسته به جوغی که وجود ندارد را 2_4 نفر در کردستان دانسته است. لذا سخنان لمبتون و دیگر نویسندگانی که قبلاً ذکر آن‌ها رفت در رابطه با وجود واحدی به نام جوغ و به تبع آن سرجوغ در مورد کردستان واقعیت تاریخی ندارد.

همچنین لمبتون و به تبع او نویسندگان دیگر از واحدهایی به نام جفت در کردستان نام می‌برند که باز هم به این واحدها برخورد نشد و حتی برای اندازه‌گیری زمین نیز اندازه‌گیری مرسوم نبود. زیرا مردم اندازه‌گیری زمین‌ها را با مقدار بذر عنوان می‌کردند. اگرچه ناآشنا به اندازه‌گیری به وسیله جفت نیز نبودند، اما اندازه‌گیری غالب همان بذر بود. زمانی‌که من خود از جفت صحبت می‌کردم و بر آن تأکید می‌کردم آن‌ها می‌گفتند بله همین مقدار بذر را می‌توانستیم با جفت نیز تطبیق بدهیم مثلاً بگوییم که «این مقدار بذر جای دو جفت گاو است». یعنی در واقع معیار پیمایش در درجه نخست بذر بوده است و نه جفت که در این رابطه دکتر حشمت تابانی و دکتر ع. محققان کرد زبانی که کتاب‌هایی در تاریخ و جغرافیای کردستان نوشته‌اند، نیز اندازه‌گیری زمین در کردستان را براساس بذر دانسته‌اند. لذا در کردستان نه تنها به واحدهایی به نام جفت برخورد نکردیم بلکه پیمایش زمین نیز براساس بذر بود و نه جفت. علاوه بر این در مورد تساوی حصه‌ها که لمبتون از آن سخن می‌گوید باید گفت: بارها کشاورزان ابراز داشته‌اند که اگر کسی گاو کار بیشتر داشته و توانسته باشد نیروی کار بیشتری را به کار بگمارد قطعه زمین بزرگتر را از ارباب دریافت کرده است لذا تساوی حصه‌ها در این‌جا قابل قبول به نظر نمی‌رسد و همچنین تقسیم زمین به صورت دوره‌ای هرچند سال یکبار که به وسیله پشک انجام بگیرد در کردستان وجود نداشته است، برعکس در کردستان امکان داشته کسی دو نسل او روی زمینی کار کرده باشد و یا این‌که مالک بعد از دو سال کسی را که روی زمین کار می‌کرده است بیرون کرده باشد و کس دیگری را به جای او گمارده باشد. دیگر از رسم پشک انداختن و تقسیم دوری زمین در کردستان خبری نبوده است. همچنین باید یادآور شویم در کردستان «حق نسق» وجود نداشته و کشاورز می‌توانسته با ترک یک روستا و اقامت در روستای دیگر از مالک آن جا زمین دریافت کرده و به کشت و زرع آن بپردازد.

گروه تحقیقات اقتصادی (1954، 1964) نیز که تحقیقات خود در سال 1945 میلادی در مورد نظام زمین‌داری در ایران و از آن‌جمله در کردستان انجام داده‌اند از واژه گاوبندی در مورد زمین‌های کشاورزی در کردستان استفاده کرده‌اند این گروه، که تحقیقات خود را در سراسر ایران انجام داده‌اند از الفاظ مشترک همچون «گاوبند» و «گاوبندی» در سراسر ایران استفاده کرده‌اند بدون این‌که ویژگی‌های منطقه‌ای توجه کرده و از وجود چنین الفظی در محل مطمئن شده باشند و به جای گوش دادن به سخنان مردم و استفاده از اصطلاحات و واژه‌های مردم محل و ارائه تصویر واقعی از محل، سعی کرده‌اند در مناطق مختلف معانی واژه‌ها را به دلخواه خود تغییر دهند آن‌چنان‌که برای توضیح لفظ گاوبندی می‌نویسند: «معمول‌ترین معنی گاوبند عبارت است از: فردی که گاوهای اش را در توافق مزارعه‌ای قبل از اصلاحات ارضی شرکت می‌داد». چنین اصطلاحی هرگز در منطقه کردستان وجود نداشته است. و به‌کار برده نشده است و در واقع کشاورز با گاو کار خود روی زمینی که مالک به او داده بود کار می‌کرد. و می‌نویسد گاوبندی «مساوی با جفت یا یک واحد زمین کشاورزی است». در کردستان هرگز به زمین‌های کشاورزی «گاوبندی» نگفته‌اند و چنین اصطلاحی اصلاً در کردستان وجود ندارد. به‌کار بردن الفاظ همسان با تغییر معنی آن‌ها در مناطق مختلف توسط محققین خارجی و داخلی به منزله چشم‌پوشی از ویژگی‌های قومی و محلی و کثرت واقعیات آن‌چنان‌که روش تحقیق کیفی بدان معتقد است می‌باشد.

در مورد سیستم «ده و دو» باید گفت در کردستان قبل از اصلاحات ارضی تقسیم محصول بین مالک و زارع براساس جدول شماره (2) در اکثر نقاط کردستان به صورت 10 2 بوده که تحت عناوین «ده دو» و «ده و دو» خوانده شده است یعنی از ده قسمت، دو قسمت سهم ارباب و هشت قسمت سهم کشاورز بوده است یا به صورت 5 1 بوده تحت عنوان «پنج یک» خوانده شده، به این معنا که از پنج قسمت یک قسمت سهم ارباب و چهار قسمت سهم کشاورز بوده است. لذا صحت آن چه نیکیتین به نقل از رابینو در رابطه با سیستم «ده و دو» در کردستان می‌نویسد قابل قبول نیست و اشتباه رابینو نیز در این مورد احتمالاً به دلیل عدم آشنایی کافی با زبان مردمی که مورد مطالعه او بوده‌اند بوده است.

تحلیل ویژگی‌های درونی نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان

براساس روایتهای این تحقیق، که در یافته‌های تحقیق شرح آن رفت، در این نظام کشاورز خود صاحب ابزار کار بوده است نه مالک. هر چه کشاورز کوشاتر و پرکارتر بوده، می‌توانسته زمین بیشتری در اختیار بگیرد و وضعیت اقتصادی بهتری داشته باشد و سود بیشتری نیز عاید

خود و مالك خود بکند، در صورت نیاز زارع بذر و یا هر وسیله دیگری مالك به صورت قرض آن را به زارع می‌داده و سپس بدون بهره آن قرض را پس می‌گرفته است. در واقع مالك در چنین مواردی به حمایت از کشاورز پرداخته است. مالکین، کشاورزان زرنگ و پرکار را دوست داشته‌اند و آن‌ها را مایه آبادانی ملك خود دانسته‌اند زیرا نفع خود را در نفع کشاورز دیده‌اند. لذا این سخنان پتروشفسکی (98:1344) در مورد نظام بهره‌برداری ایران که: «... هر قدر کشاورز بینواتر بوده مالك می‌توانسته شرایط سخت‌تر و اسارت‌آمیزتری را به وی تحمیل کند، زیرا سهم مالك از محصول در صورتی که مشارالیه نه تنها زمین و آب بلکه عوامل (دام‌کاری) و تخم و آلات کار را در اختیار زارع می‌گذاشت افزوده می‌گشته است، شیوه پرداخت مساعده از طرف مالك به زارع برای تهیه اسباب و وسایل زراعت چون با رباخواری توأم می‌گردیده اسارت و انقیاد روستایی را شدیدتر می‌ساخته است». در رابطه با منطقه مورد مطالعه در غرب ایران مطابقت ندارد. و لذا عامل توسعه نیافتگی روستاها را نه در شیوه تقسیم محصول (آن گونه که پتروشفسکی می‌گوید)، بلکه باید در عوامل دیگری جست. از جمله می‌توان از خصوصیت‌های منفی این نظام به عدم وجود قرارداد مکتوب بین مالك و زارع اشاره کرد. از آنجایی که قراردادی مکتوب بین مالك و کشاورز وجود نداشته، لذا کشاورز بر روی زمینی که مشغول به کار بوده است احساس امنیت نمی‌کرده زیرا: 1. زارع سندی برای مدت زمان کار خود روی زمین نداشته و اگر مالك می‌خواست می‌توانسته بدون دلیل و به هر بهانه‌ای و در هر زمانی کشاورز را از کار بر روی زمین منع کند و زمین را به دیگری واگذار کند، این امر می‌توانسته در عدم نوآوری و خلاقیت بر روی زمین‌ها توسط دهقانان مؤثر بوده باشد. 2. عدم وجود قرارداد مکتوب موجب شده قدرت مالکین تحت تأثیر رفتارهای شخصی آنان قرار گرفته و همین امر عدم اطمینان دهقانان را در مواردی دوچندان کرده باشد. عدم وجود قرارداد مکتوب کشاورز را مظلوم و وابسته به مالك ساخته است و او را وادار به قبول هر آنچه از طرف مالك بر او تحمیل شده کرده است زیرا اعتراض او موجب از دست دادن زمین‌اش می‌شد که زندگی‌اش بدان وابسته بود و اگر مارك بلوخ (278_277:1363) نظام فئودالیسم غربی را به واسطه وجود قرارداد تحسین می‌کند و تمدن غربی را به آن مفتخر می‌داند نظام زمین‌داری در منطقه مورد مطالعه از ضعف عدم قرارداد مکتوب بین مالك و زارع رنج می‌برده است.

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور دستیابی به اهداف این تحقیق که ایجاد شناخت از نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی و کمک به مفهوم‌سازی واقعیت در این حوزه است ابتدا

بسیاری از مطالب موجود در رابطه با موضوع مطالعه شد، اطلاعات موجود در این رابطه بسیار کم و گاه مغایر با واقعیت جامعه به نظر می‌رسید لذا برای شناخت بهتر این نظام و اطمینان از صحت و یا عدم صحت روایت‌های موجود در رابطه با نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان، اقدام به تحقیقات میدانی در سطح استان کردستان به شیوه مصاحبه‌های نیمه سازمان‌یافته شد. و بیست و سه مصاحبه در این راستا شکل گرفت و نتایج همه مطالعات اعم از مطالعات اسنادی و مطالعات میدانی به نتایجی که در پی می‌آید انجامید.

1. مفاهیمی از قبیل جوغ، سرجوغ، گاوبند و گاوبندی مصادیقی در نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان ندارند. کاربرد چنین مفاهیمی در رابطه با نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان یا به دلیل عدم آشنایی با زبان و فرهنگ مردم منطقه بوده است و یا به دلیل همسان‌سازی مفاهیم که از ویژگی‌های تحقیقات اثبات‌گرایانه است — و چشم‌پوشی از تفاوت‌های احتمالی قومی و منطقه‌ای بوده است.

2. با توجه به روایت‌های گردآوری شده در نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان واحدهای زراعی تحت عنوان خاصی وجود ندارد. بلکه در این نظام قطعات زمین کشاورزی که دارای اسامی خاص بوده‌اند براساس عرف محل به کشاورزان برای کشت و اگذار شده‌اند طرفین

قرارداد در این واگذاری، تنها مالک و کشاورز بوده‌اند و به تبع آن کسانی که از محصول

مطابق عرف محل سهم مشخصی داشته‌اند مالک و کشاورز بوده‌اند. نظام سلسله مراتبی خاصی در این نظام حاکم نبوده است و کشاورز با ابزار کار متعلق به خود روی زمین کار کرده

است.

3. عدم وجود قرارداد مکتوب مابین مالک و زارع از خصوصیات منفی این نظام بوده است که موجبات عدم اطمینان شغلی را در کشاورزان ایجاد کرده است و مانع نوآوری و خلاقیت کشاورزان در امر کشاورزی شده است و همچنین عدم اعتراض به وضعیت موجود را در آنها تقویت کرده است.

منابع

ادیب حاج باقری محسن و دیگران (1386)، *روش‌های تحقیق کیفی*، چاپ اول، تهران: انتشارات بشری.

احمدی بابک (1387)، *رساله تاریخ: جستاری در هرمونوتیک تاریخ*، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.

ایازی برهان (1371)، *آیین سنندج*، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام. برویین سن مارتین وان (1378)، *جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا؛ شیخ، دولت)*، ابراهیم یونسی، چاپ اول، تهران: نشر پانید.

بلوخ مارک (1363)، *جامعه فئودالی*، ترجمه بهزاد باشی، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.

پتروشفسکی ایلیل پاولوویچ (1344)، *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (قرن های سیزده و چهارده)*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات دانشگاه تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

خسروی خسرو (1357)، *جامعه دهقانی در ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام.

خسروی خسرو (1358)، *مسئله دهقانی، مسئله ارضی*، چاپ اول، تهران: انتشارات پیوند.

خسروی خسرو (1360)، *مسئله ارضی و دهقانان تهیدست در ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات بیداری.

خسروی خسرو (2535)، *جامعه‌شناسی روستای ایران*، چاپخانه کیهانک.

رحمانی اختر (1348)، *مالکیت و بهره‌برداری از زمین در ایران*، — ، — ، سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.

شمیم همدانی علی‌اصغر (1312)، *کردستان، شامل شرح جغرافیای طبیعی و سیاسی و اقتصادی و بیان نژاد و تاریخچه سیاسی و زبان و مذهب و تقسیمات ایلات کرد*، — ، تبریز: انتشارات امید.

صفی‌نژاد جواد (1368)، *بنه در ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

عباداللهی چنذاق (1382_1383)، *بررسی نظری تفاسیر آسیایی ارائه شده از ایران و قابلیت کاربرد آن‌ها برای دوران صفویه*، پایان‌نامه دکترا، اساتید راهنما: دکتر غلامعباس توسلی و دکتر مهدی طالب، اساتید مشاور: دکتر حمید عبداللهیان و دکتر هاشم آقاجری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

عبدی‌پویا قادر (1354)، *نظام آبیاری و زمین‌داری در سلیمان‌کنده کردستان*، پایان‌نامه لیسانس، استاد راهنما: دکتر خسرو خسروی.

فرهادی مرتضی (1385)، *فرهنگ یاری‌گری در ایران: درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون*، چاپ چهارم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، جلد اول.

کاتوزیان محمدعلی همایون (1372)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر مرکز.

لمبتون ا. ک. اس (1345)، *مالك و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، — ، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

لهسایی‌زاده عبدالعلی (1382)، *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*، چاپ دوم، شیراز: انتشارات نوید.

محمدپور احمد (1389)، *فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مؤمنی باقر (1359)، *مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران*، تهران: انتشارات پیوند.

مور برینگتون (1369)، *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمه حسین بشیریه، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

نعمانی فرهاد (1358)، *تکامل فنودالیزم در ایران*، چاپ اول تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

نیکیتین واسیلی (1378)، *کرد و کردستان: بررسی جامع از دیدگاه سیاسی، جامعه‌شناسی و تاریخی*، ترجمه محمد قاضی، چاپ سوم، تهران: کانون فرهنگی انتشاراتی درایت.

ولی عباس (1380)، *ایران پیش‌اسرمایه‌داری، تاریخ نظری*، ترجمه حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز.

منابع کردی

شرفکندی عبدالرحمن (هه ژار) (1369)، *هه‌نبانه بۆرینه، فرهنگ کردی فارسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
ع. ق (2007)، *کوردستان و کورد*، ترجمه و. حسن‌زاده، هه‌ولیر، کتیبخانه ئاویر.
صالحی ماموستا اسماعیل (—)، *دیوانی سه‌بۆر و تاریخچه قه‌لای هه‌سه‌ن‌ئاوا و ژییانی فه‌لاکان له رابردودا*، سنندج: ئینتشارات مه‌سعود.
وقایع‌نگار علی‌اکبر (1369)، *بدایع‌اللغه، فرهنگ کردی فارسی*، چاپ اول، چاپخانه ارژنگ، ناشر: محمد رثوف توکلی.

fO smelborP cimonoCE laruR ehT fO yevrus A)4691 ,4591(,puorG hraeseR ,natsedruK

مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، سال 1349، شماره 18.

مصاحبه‌ها

اردوانی رشید، (حاج رشید)، روستای بالک، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه، 1388/5/22.
باباخانی ابراهیم (حاج ابراهیم)، روستای حسن‌آباد، شهرستان سنندج، تاریخ مصاحبه: 1388/9/2.
باباخانی محمد (حاج محمد)، روستای حسن‌آباد، شهرستان سنندج، تاریخ مصاحبه: 1388/9/2.
بهمنی پیروز، روستای تودار ملا، شهرستان سنندج، تاریخ مصاحبه: 1388/5/25.
پیشکاری سیروس (سیروس‌خان)، شهرستان بیجار، تاریخ مصاحبه: 1388/5/30.
حیدری احمد (حاج احمد بگ)، روستای گویزه‌کویره، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه: 1388/5/22.
حیدری برزون (برزون بگ)، روستای بالک، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه: 1388/5/22.
حیدری کانی‌سانانی (ناصرخان)، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه: 1388/5/24.
خامه عبدالرحیم (حاج عبدالرحیم)، روستای زیویه، شهرستان سقز، تاریخ مصاحبه: 1389/3/21.
خدابخشی ولی (سید ولی)، روستای قبا سرخه، شهرستان سروآباد، تاریخ مصاحبه: 1388/5/30.
خدمتگزار علی، روستای دهره‌تفی، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه: 1388/5/22.
رحیمی عمر، روستای بغده‌کندی، شهرستان بانه، تاریخ مصاحبه: 1388/5/24.
رمضانی عبدالقادر، روستای پالنگان، شهرستان کامیاران، تاریخ مصاحبه: 1388/5/11.
روحانی موسی، روستای کاشتر، شهرستان کامیاران، تاریخ مصاحبه: 1388/5/11.
سلطانی هورامی مظفربهمن (مظفرخان)، روستای زرآب، شهرستان سروآباد، تاریخ مصاحبه: 1388/5/23.
علیخانی ولی، روستای خسروآباد، شهرستان بیجار، تاریخ مصاحبه: 1388/5/29.
فتاحی اسماعیل، روستای نسل، شهرستان سروآباد، تاریخ مصاحبه: 1388/5/24.
فتاحی محمد، روستای برده‌ره‌شه، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه: 1388/5/19 و 1388/5/20.
فیض‌الهی قادر، روستای قلعه‌کهنه، شهرستان سقز، تاریخ مصاحبه: 1389/3/21.
محمدی توفیق (توفیق بگ)، روستای گوشخانی، شهرستان سروآباد، تاریخ مصاحبه: 1388/5/23.
محمدی خلیل، روستای سننه، شهرستان سقز، تاریخ مصاحبه: 1389/3/6.

میرزایی محسن، شهرستان سقز، تاریخ مصاحبه: 1389/3/6.
هاشمی ستار (سید ستار)، روستای صلوات آباد، شهرستان بیجار، تاریخ مصاحبه:
1388/5/29.

اینترنت

بانک اطلاعاتی قنات‌های کشور: www.iranhydrology.com

حسین ایمانی جاجرمی، استادیار گروه توسعه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
است (نویسنده مسئول). imanijajarmi@ut.ac.ir
سروه فتاحی، کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران است.
Srwa.fattahi@gmail.com